

شاملو و خورشید



عکس: سیف‌الله صدیقان

یا به تعبیر شاملو نوعی بی‌دریغ بودن وجود دارد که می‌تواند الگوی انسان شاملویی باشد که شباهتی شیفته‌وار به خورشید دارد. «از آفتاب یاد بگیرند/ که بی‌دریغ باشند/ در درها و شادی‌هاشان/ حتی با نان خشکشان/ و کاردهایشان را جز را برای تقسیم کردن بیرون نیاورند»

شاملو شاعر شدن است بدون تلاش برای «شدن» گذشته و آینده مفهومی ندارد، تنها در شدن است که زمان معنای واقعی خود را پیدا می‌کند و گذشته و آینده در لحظه حال مفهوم می‌یابد. در رابطه با زمان بطور کلی دو تلقی متفاوت وجود دارد تلقی «اول» توقف در لحظه یا «لحظه را دریاب» است، در این تلقی از زمان حال پررنگ می‌شود و گذشته و آینده به حوزه نیستی تعلق پیدا می‌کند زیرا نمی‌توان آن را در لحظه «حال» و به‌صورت «بود» تجربه کرد. این تلقی از زمان فرار به فراموشی است.

«از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن /فردا که نیامده است فریاد مکن /بر آمده و نامده بنیاد مکن /حالی خوش باش و عمر بر یاد مکن»

تلقی دوم از زمان آن است که آدمی صدای گذشته را می‌شنود، دردها و لذت‌های آن را درمی‌یابد اما نمی‌تواند خود را از سنگینی بار آن خارج کند درست مانند فرزندی

از خیابان انقلاب به بعد-۹

باشد که روی ریشه‌های کهن باز گل دمد *



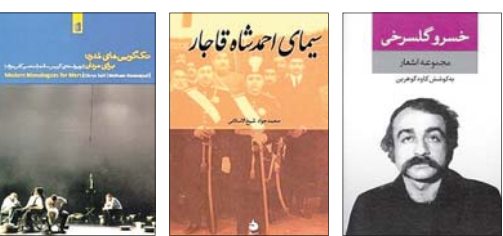
آموخته و مانده‌اند. طهوری از همان ابتدا به عنوان ناشر کتاب‌هایی درباره فرهنگ و تاریخ ایران شناخته شد. و هنوز هم به همین شهره است کتاب‌هایی که طهوری منتشر می‌کرد، متونی بودند کهن با فروشی کند، که هر ناشری برای چاپشان خطر نمی‌کرد. اما طهوری خطر کرد و چند نسل از کتاب‌خوان‌های ایرانی را جذب خود کرد. در طول این چند دهه طهوری بیش از هر چیز با مجموعه «زبان و فرهنگ ایران» شناخته شده است.

متون کهنی که طهوری منتشر کرده نشان از این دارد که خود ناشر با سنت فرهنگی و ادبی ایران آشنا بوده است. از آن جمله: «لغت فارس» و «گوشاب‌نامه» اسدی طوسی، «چهار مقاله» نظامی عروضی، «وجه دین» و «جامع‌الحکمتین» ناصرخسرو قبادیانی، «نوروزنامه» خیام نیشابوری، «اسرارالتوحید» محمدبن منوره، «کشف‌المحجوب» هجویری، «صد میدان» خواجه عبدالله انصاری، «المشاعر» ملاصدرا، «گلشن راز» و «مجموعه آثار» شیخ محمود شبستری، «مکاتیب فارسی غزالی» و… همگی این آثار مخاطبان خاص دارند و لابد عقیده و علاقه خود ناشر بر علاقه بازار می‌چربیده که به سراغ انتشار آنها رفته. اما طهوری برای خوانندگان عام‌ترش با کتابی دیگر شناخته می‌شود: «هشت کتاب» سهراب سپهری که در طول این سال‌ها بارها و بارها چاپ شده است. کتابی که احتمالاً جزو پر فروش‌ترین آثار طهوری در همه این سال‌ها هم بوده است. به جز اینها، تاریخ ایران و نیز فرهنگ اقوام مختلف آن از دیگر علائق این انتشارات است و ویرتین کتابفروشی‌اش هم گویای آن است. در کتابفروشی طهوری، به جز مجله‌های ماهانه، بسیاری از نشریات تخصصی هم دیده می‌شوند. نشریاتی که برخی از آنها از

پرفروش‌ها

از اشعار گلسرخی تا سیمای احمدشاه

پرفروش، شاید بیش از هر چیز به روایت‌گوئی کتاب و یا به عبارتی، به انتخاب لحن نویسنده برای روایت یک اثر تاریخی مربوط باشد. محمدجواد شیخ‌الاسلامی که پیش‌تر نیز مقالاتی درباره دوره قاجار و ویژگی‌ه شخصیت احمدشاه نوشته بود، در این کتاب ۷۰۰صفحه‌ای، شرح به قدرت رسیدن این شاه خرد سال قاجار و تحولات ایران پیش و پس از سلطنت او را با انکا به اسناد و روایات متقن بازگو کرده است. گزارش کتاب از سرنوشت ایران و سرشت سلطنت در دوره احمدشاه، قدم‌به‌قدم پیش می‌رود و با زبان شیوا و روانی که نویسنده اتخاذ کرده، بعید است



که نمی‌تواند اجداد و گذشتگان خود را نادیده بگیرد به این سان گذشته را به حساب می‌آورد، در رنج‌ها، تلاش‌ها، ناکامی‌های‌ها و کامیابی‌های آنان تامل می‌کندو به آنان وفادار می‌ماند و حتی این کار را به‌مثابه وظیفه‌ای اخلاقی برای خود در نظر می‌گیرد تنها این وفاداری به گذشته و حتی به قطعاتی از آن است که می‌تواند لحظه حال را غنی سازد. و به درک شاعر از رویدادهای حال غنای بیشتری بدهد و آن را شایسته تامل سازد. این طرز تلقی پیش از همه نشان می‌دهد که گذشته به‌طور کامل از بین نرفته و مردگان ما حتی در نبود جسمی‌شان در حال و آینده امتداد می‌یابند. تنها در این تلقی از زمان است که شاعر می‌تواند موج سنگین گذر زمان یا به عبارت دیگر فشردگی زمان در لحظه را دریابد و از لحظه حال یک لحظه فلسفی بسازد.

«اینک موج سنگین گذر زمان است که در من می‌گذرد/ اینک موج سنگین زمان گذر زمان است که چوئان جوهر آبار در من می‌گذرد/ اینک موج سنگین گذر زمان است که چوئان دریایی از پولاد و سنگ در من می‌گذرد»

حقیقت عظیم جهان به نظر شاملو تجلی انسان آرمانی و یا همان انسان خاص است، انسانی که در مسیر شدن گام برمی‌دارد. این انسان خصوصاتی شبیه به انسان خاص نیچهای دارد که می‌بخشد و ابدا سپاسگزار و سپاس‌خواه و شرمسار کسی نیست اما عیار همین انسان خاص در شعرهای شاملو تنها با سنگ محک خورشید سنجیده می‌شود و اینکه راهش در مسیر آفتاب باشد. «شرمسار خود نبود و اسراف‌کننده/ در پناه سه سایدها نگذشت/ رامش در آفتاب بود/ اگر چند می‌گذاخت/ و طعم خون و گدازه سن داشت»

اکنون شاید بتوان تلقی دوم از زمان را با حرکت انسان خاص به سوی شدن یا به

یک تعبیر تا نهایت کار هماهنگ دید «بر شعله خویش/ سوختن/ تا جرقه واپسین»/ این وفاداری و مداومت در کار به نظر شاملو فی الواقع حقیقت عظیم جهان است حتی اگر به چشم اندک آید اما اندک به چشم آمدن خرد نمون (انسان خاص) از عظمت او و همین‌طور خورشید هیچ نمی‌کاهد. «لیکن این خرد نمون/ حقیقت عظیم جهان است/ و عظمت هر خورشید/ در مهجوری چشم/ خردی اختر می‌نماید»

پی‌نوشت‌ها:

۱- آواز، شیشه‌ها و کوچها از مجموعه هوای تازه شاملو.
۲- مرگ نازی، هوای تازه شاملو.
۳- تخیل فرهیخته، زبان بويا دكتر تقی پورنامداریان.

۴- با چشم‌ها، شاملو.
۵- خیام.

۶- آیداد در آینه، شاملو.

۷ و ۸- ضیافت، دشنه در دیس شاملو.

کتاب

شعر باران

«کولی باران» عنوان مجموعه‌شعری از «ضیاء پورمحمدی» است که به‌تازگی توسط انتشارات هنر رسانه اردیبهشت منتشر شده است. این مجموعه، شعرهای آزاد پورمحمدی را دربر می‌گیرد و درواقع محصول دو مجموعه‌شعر اوست که در قالب یک کتاب منتشر شده است.

«کولی باران» حدود ۳۰ قطعه شعر دارد و بیشتر شعرهای این مجموعه مربوط به سال‌های پایانی دهه ۸۰ است اما چند شعری هم از دهه ۷۰ دارد. از جمله مضامین کلی شعرهای این مجموعه، محتوای اجتماعی آنهاست هرچند نوعی درون‌مایه عاطفی نیز در آنها دیده می‌شود. همچنین توجه به طبیعت و طبیعت‌گرایی هم در این مجموعه‌شعر وجود دارد.

«کولی باران» در یکصد صفحه به چاپ رسیده و اولین دفتر شعر منتشرشده از پورمحمدی است. اما مجموعه‌شعر دیگری هم با نام «خاکستر باران در استوای عطش» -که دربرگیرنده حدود ۳۰ قطعه شعر آزاد دیگر این شاعر است- برای چاپ به موسسه انتشاراتی هنر رسانه اردیبهشت سپرده شده و به‌زودی منتشر خواهد شد. بنا به توضیح خود شاعر، در شعرهای مجموعه‌دوم به‌نوعی یک جریان سیال ذهن دیده می‌شود و مضمون عاطفی شعرها پرتنگ‌تر است. شعرهای مجموعه دوم همچنین به‌لحاظ ساختاری و فنی هم، قوی‌تر از شعرهای مجموعه اول‌اند. برای مثال در مجموعه «کولی باران» بسیاری از مسایل یک شعر در بندها و بخش‌های مختلف آن شعر توضیح داده شده است، اما در مجموعه دوم، توضیحی ارایه نشده و درک دقیق آنها به خواننده واگذار شده است. «کولی باران» در سری دوم طرح «صدای تازه» که به ابتکار موسسه هنر رسانه اردیبهشت اجرا می‌شود، منتشر شده است. طرحی که به انتشار آثار شاعرانی که تاکنون اثری از آنها چاپ نشده یا شعرهایشان در جریان شعر امروز چندان دیده نشده می‌پردازد.



کولی باران

ضیاء پورمحمدی

ناشر: هنر رسانه اردیبهشت

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

زندگی داستانی کوروش

«منم کوروش» با عنوان فرعی «سرگذشت شاهزاده حقیقی ایران زمین»، رمانی تاریخی درباره کوروش و به قلم الکساندر جووی است که با ترجمه سهیل سمی به فارسی منتشر شده است. این رمان تاریخی دارای سه بخش با این عناوین است: دوستان دوران کودکی، امپراتوری و عشق جاودان. با توجه به اینکه در مورد کوروش و به خصوص یک سوم نخست زندگی او منابع چندانی در دست نیست، این رمان تاریخی می‌تواند در شناخت پادشاه ایرانی مفید باشد. حوادثی که در این رمان آمده‌اند مستندند. سمی در مقدمه کتاب در این مورد می‌نویسد: «طبعاً بنا بر روال معمول رمان‌های تاریخی، بعضی شخصیت‌ها به داستان اضافه شده‌اند. حمله‌های نظامی، تصمیمات کلان و گاه حتی تاکتیک‌های به کار رفته در نبرد که در رمان حاضر آمده‌اند، همگی نمایشنامه‌نویس، کارگردان و آموزش‌یار مرکز بازیگری لندن است. او پس از تشریح صحنه موردنظر در هر نمایشنامه، وارد تک‌گویی شخصیت درام می‌شود و آن را به مثابه کلاسی برای اجرای تک‌نفره و یا نحوه مونولوگ‌نویسی در نمایشنامه، به مخاطب عرضه می‌کند. تک‌گویی‌های هوگو در «دست‌های آلوده» (ژان پل سارتر) و رچینالد در «موسیقی درملی» (جورج برنارد شاو) و مونولوگ تام در نمایشنامه «باغ‌وحش شیشه‌ای» (تنسی ویلیامز) جزو زیربایت‌ن تک‌گویی‌های کتاب هستند. این کتاب ۲۲۰ صفحه‌ای با ترجمه محسن کلس‌نژاد از سوی نشر بیدگل عرضه شده است.



منم کوروش

الکساندر جووی

مترجم: سهیل سمی

ناشر: ققنوس

چاپ اول: ۱۳۹۲

مرور

تازه‌های ادبیات داستانی ایران

سه گام به پس

اخیرا سه رمان ایرانی از سه نویسنده زن: رویا شکیبایی، ملیحه صابغیان و زهرا عیدی منتشر شده است. حتی یک نگاه اجمالی به این سه رمان نشان می‌دهد که این آثار، مانند بسیاری آثار مشابه دیگر که در این سال‌ها منتشر شده‌اند - و جز این غالب ادبیات داستانی ایران را شکل داده‌اند، نتوانسته‌اند گامی فراتر از وضعیت فعلی داستان‌نویسی ایران بردارند و یا امکانی جدید پیش‌روی ادبیات ایران بگذارند. پس همچنان در چارچوب همان قواعد کلی داستان‌نویسی سال‌های اخیر باقی‌مانده‌اند.

صفحه ادبیات «شرق» به زودی به این سه رمان خواهد پرداخت اما پیش از آن این سه کتاب به صورت کوتاه معرفی می‌شوند.

ادای دین به فرهنگ چند هزارساله

«روز حلزون» رمانی از «زهرا عیدی» است که در ۱۶۰ صفحه توسط انتشارات «گیسا» منتشر شده است. داستان با شرح گزارش‌گونه‌ای از روزمرگی‌های راوی آغاز می‌شود و اصرار زیادی بر توصیف جزبه‌جزء و دقیق واقعیت‌های معمول و پیش پا افتاده اطراف دارد. به ظاهر نویسنده ابایی هم نداشته تا توصیف‌های جزبه‌جزء داستان در بسیاری موارد شکلی وسواس‌گونه و تصنعی به خود بگیرند.

مثلاً: تا ثان سوخته و بنیر را بیاورم، پنجره را باز کرده و نشست به پشت صفحه باز فیس بوکم. یکبار باید برزم پشت دست فوشول وقتی تند تند کلیک می‌کند روی اسم فرندهایم. برای جدیدها و ناشناخته‌ها، یک new tab باز می‌کند تا سرر وقت ببیند کی هستند و تا ته favoriteشان را در نیاورد، چشم‌هایش میخ مانی‌تورند. اما خودش نم پس نمی‌دهد. از پشت مانی‌تور بلند نشده، حتما logout می‌کند، میباد کسی از رفت‌وآمد صفحه فیس‌بوکش بویی ببرد...».

در بخشی دیگر از رمان می‌خوانیم: «آور شیشه پر از لک و پیس تاکسی، مردمی که از نمایشگاه کتاب بیرون آمده‌اند برای گرفتن ماشین، از سروکول کتاب‌هایی که خریده‌اند بالا می‌روند. از اینکه توی تاکسی نشسته‌ام احساس خوشبختی می‌کنم هرچند انگشت‌های طلا پلا‌ی جانم شده‌اند. منی که هر ۱۰ روز را در نمایشگاه کتاب به قول پسرک، رحل اقامت می‌افکندم، اسمال، سومین سالی است که پشت کردم به این بیاورم. نمایشگاه کتاب پر از آدم‌هایی است که در طول سال حتی کتابی را ورق نمی‌زنند. می‌آیند که یاشان برود کتاب نمی‌خوانند و شب، بعد از گزارش مفصل تلویزیون از غوغای نمایشگاه و مردم بافرهنگ، راحت سریال شب‌شان را ببینند و خیال‌شان راحت باشد به فرهنگ چند هزارساله، ادای دین کرده‌اند. پسرک بلند می‌خندد و می‌گوید: خواب مانده‌ای. لیج گرفته و حالا داری زور می‌زنی که از خودت عقیده در کنی. می‌بری اگر اینقدر این نظر ندهی. همیشه به فکر همه کار داری. بیچاره، به این فکر کن که اگر نرسی...».



روز حلزون

زهرا عیدی

ناشر: گیسا

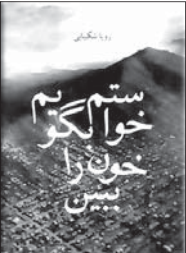
چاپ اول: ۱۳۹۲

قیمت ۷۵۰۰ تومان

خون دیدن

«خواستم بگویم خون را ببین» عنوان رمانی از «رویا شکیبایی» است که در ۲۷۳ صفحه منتشر شده است. نویسنده، کتابش را علاوه بر مادر، به «زنان محبت‌گرا» همیشۀ پایدار» تقدیم کرده است.

در بخشی از رمان می‌خوانیم: «راستی راستی داشت می‌آمد. نفهمیدم چه شد که یکهو بازیاستاد و بعد پوف کرد توی هوا و چیزی از قله آن جهید بیرون و فواره زد توی آسمان. چرا کسی از سالن تریا بیرون نمی‌آید؟ شمس، آن استرالیایی پرادر، پس کجا بودند؟ فریاد زدم هادی! بوی سوختگی در هوا پیچید. آسمان قرمز قرمز شد. خوئین شد. قله منفرج شده بود و فشه‌های خون از آن افشانه می‌زد و می‌ریخت پایین، بو سینه کوه. خلاصت که برسد به من. دویدم طرف می‌ریخت تا ببینم، بو سینه کوه کجاست. خورم که برسد به من. دویدم طرف در سالن تریا. هادی گفت: می‌دانستم بیشتر از چند دقیقه نمی‌توانید آن بیرون بمانید. خواستم بگویم خون را ببین. گفتم: قهوه حاضر شد!»



خواستم بگویم خون را ببین

رویا شکیبایی

ناشر: مولف

چاپ اول: ۱۳۹۲

قیمت۱۲۰۰۰ تومان

ذهنی پاک پاک

«پنجشنبه‌های سالن» عنوان رمان «ملیحه صابغیان» است که در ۲۲۶ صفحه منتشر شده است. نویسنده در پایان کتاب، تاریخی دقیق که احتمالاً زمان اتمام رمان بوده را آورده است: «پیستم آبان ۸۸، ساعت ۲۱.

کتاب اینگونه آغاز می‌شود: «هیچ وقت به اندازه این سه ماه فکر نکردم و محم را به کار نگرفتم و دنبال چرا و اگر و کاشکی و این جور کلمه‌ها نگشتم.ا. دلم می‌خواهد برای یک روز هم که شده ذهنم را بتکانم. هرچه هست و نیست بریزم بیرون. گذشته. آینده. وهم، آن جاده لعنتی... دلهره شب‌ها... آه که چه خوب می‌شود تمام اینها از یادم برود. ذهنی پاک پاک. خالی. صیقل‌خورده. و خیالم بماند اینجا. فقط همین‌جا. آن وقت توی حصار این شهر پرجنب و جوش چرخ می‌زنم. می‌ایستم زیر چراغ‌های سقفت. باران رنگی نور. کم می‌شوم میان آینه‌های دوروبر، زن‌های قشنگ پوست‌های درشت و ریز دیوارها. و هوای آغشته به عطر این شهر را نفس می‌کنم و گوشم پر می‌شود از حرف... از صدا... از آهنگ‌های ششاد... ترانه‌های شور... و دلم خوش می‌شود با خوشی‌های الکی... خوشی‌های دم دستی».



پنجشنبه‌های سالن

ملیحه صباغیان

ناشر: مولف

چاپ اول: ۱۳۹۲

قیمت۹۸۰۰ تومان